

## تحلیل الزام آور بودن یا نبودن تبعیت از رای هیات منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

محمد رضا حاکاک زاده<sup>۱</sup>، سمیه رحیم نیا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد قم و مدیر گروه رشته حقوق

<sup>۲</sup>دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

### چکیده

در این نوشتار با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به تحلیل الزام آور بودن یا نبودن تبعیت از رای هیات منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی پرداختیم، مهمترین سوالی که در این نوشتار بدنیال پاسخگویی به آن هستیم این است که تبعیت دادگاه از رای اعضای هیات منصفه الزامی می باشد یا خیر؟ نتایج نشان می دهد بر اساس ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیات منصفه رسیدگی می شود. احکام و ترتیبات هیات منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین نامه اجرائی آن است جرایم مطبوعاتی از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و عبارت است از مواردی که در قانون مطبوعات و سایر قوانین عادی جرم شمرده شده که مطبوعات و مدیر مسؤول یا صاحب امتیاز مرتکب می شوند. تبیین جرم مطبوعاتی و شیوه رسیدگی به آن از اولین دغدغه های قانونگذار در ایران بوده است اما تحولات پیاپی در قوانین و ساختار محاکم همواره ابهام هایی را درباره این جرم که مورد توجه مستقیم قوانین اساسی بوده پدید آورده است، اصل علنی بودن محاکمات یکی از اصول پذیرفته شده در خصوص دادرسی های کیفری و مدنی در حقوق کشور ما است که فواید مهمی را در پی دارد از جمله کنترل قاضی از طریق نظارت همگانی، دور نگه داشتن دستگاه قضا از مظان اتهام و پیش داوری، جلب اعتماد مردم و غیره.

در اصل ۱۶۸ ق. م. ا مقرر داشته رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است؛ اما به نظر می رسد پذیرش این اصل به نحو مطلق، منطقی نیست زیرا در برخی پرونده ها، مصالح افراد یا کشور، غیر علنی بودن این گونه محاکمات را ایجاب می کند. در جرایم مطبوعاتی هیات منصفه افرادی هستند که دعوت شده اند تا درباره صحت و سقم اعمال منتسب به متهم، در جریان دادرسی اظهار نظر نمایند. در حقوق کشور ما، هیات منصفه حداقل با حضور هفت نفر از اعضا رسمیت دارد و می توانند بدون نیاز به استدلال و توجیه حقوقی و استناد قانونی، در تعیین سرنوشت دعوی، تصمیم گیری کنند. فلسفه ایجاد هیات منصفه که نماینده افکار عمومی هستند آن است که بهتر می توانند در مورد هر جرم مطبوعاتی اظهار نظر کنند که آیا انتشار خبر یا مطلبی خاص، سوء استفاده از آزادی و در نتیجه جرم محسوب می شود یا صرفاً عمل به وظیفه بوده یا یک انتقاد بوده و جرم نیست.

**واژه های کلیدی:** جرایم مطبوعاتی، هیات منصفه، دادرسی منصفانه، رسیدگی علنی

#### مقدمه :

مطبوعات از نظر لغوی واژه‌ای عربی است و جمع مؤنث سالم واژه مطبوعه است که های آن علامت تانیث مجازی است و مطبوع یعنی آن چه که چاپ شده است. (رازی، فریده، فرهنگ عربی در فارسی معاصر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۲۱۲).

هرچند مطبوعات در فرهنگ فارسی به هر نوشته چاپی اعم از کتاب، مجله، اعلامیه و هر آن چه به شکل نوشتارهای چاپ شده جهت انتقال اطلاعات تهیه شده باشد اطلاق می‌شود؛ اما با توجه به اهمیت خاصی که تعریف دقیق مطبوعات دارد قانون‌گذار مطبوعات را تعریف نموده و حدود و ثغور آن را روشن نموده تا از تشتت آرا در تعریف جرایم مطبوعاتی کاسته شود.

بر اساس ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب ۳۰ فروردین ۱۳۷۹، مطبوعات عبارت است از نشریاتی که با داشتن نام ثابت و ذکر تاریخ و شماره ردیف، در زمینه‌ای مشخص و انتخاب شده، انتشار می‌یابند و مطابق قانون مطبوعات، هیات نظارت بر مطبوعات برای انتشار آن، پروانه و مجوز خاص صادر کرده باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی مطبوعات جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده چنان‌که در اصل ۲۴ این قانون، به اصل آزادی مطبوعات و نشریات پرداخته و آن‌ها را در بیان مطالب آزاد دانسته است. البته این آزادی با تمام اهمیتی که داراست تابع محدودیت‌هایی است. در این اصل دو استثناء برای آزادی برشمرده است یکی این‌که مخل مبانی اسلام نباشد و دیگر این‌که مخل حقوق عمومی نباشد، اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۴ قانون مطبوعات برای جرایم مطبوعاتی امتیازات خاصی مقرر داشته‌اند که جرایم عادی از آن بی‌بهره‌اند.

#### ۱- تعاریف و مفاهیم

در ابتدا به تعاریف مرتبط با موضوع نوشتار می‌پردازیم.

##### ۱-۱- هیئت منصفه

الف- هیئت منصفه تعدادی از مردان و زنان هستند که مطابق قانون انتخاب شده و متعهد می‌شوند، واقعیت را احراز و بر اساس دلایلی که پیش رو دارند، حقیقت را اعلام کنند. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴)

بر این اساس هیئت منصفه در واقع گروهی از افراد جامعه هستند که مطابق قانون انتخاب می‌شوند، و وظیفه اصلی آنها این است که با توجه به دلایل و مدارکی که ارائه می‌شود، واقعیت امر را کشف کرده و درباره براءت یا مجرمیت متهم اظهار نظر کنند.

ب- اصطلاح مناسب و رسایی است که حقوق ایران در برابر لفظ jury انتخاب کرده است که عبارت است از گروهی از صنوف و اقشار مختلف جامعه که به عنوان نماینده افکار عمومی و انتظارات مردم از دستگاه قضایی در رسیدگی به برخی جرائم تحت شرایط خاص با دادرسان دادگاه‌های کیفری همکاری میکنند.

##### ۱-۱-۱- جرم مطبوعاتی

از منظر مفهومی، جرمی که ناشی از انتشار یا انعکاس در مطبوعات و رسانه‌های مرتب‌الانتشار واقع شود، جرم مطبوعاتی نامیده می‌شود.

بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم را، قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

جرم‌انگاری مسائل مربوط به سیاست و مطبوعات، در ادبیات حقوقی و نیز در فرآیند رسیدگی در کنار هم قرار می‌گیرند و هنگام رسیدگی به این نوع جرایم از طریق قانونگذار و مقام رسیدگی‌کننده، امتیاز ویژه‌ای بدان اختصاص داده شده است. فلسفه وجود و حضور هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی ناشی از این تفکر است که مرتکبان این نوع جرایم، به نوعی متولی انعکاس افکار عمومی هستند؛ لذا جامعه حقوقی برای جرم‌انگاری چنین فعل مجرمانه‌ای، ملاحظات جامعه را در نظر گرفته و از حیث تفاوت ماهیت جرم مطبوعاتی با جرایم عادی به لحاظ اینکه جرم عادی، عاری از هر نوع انگیزه شرافتمندانه است، جرم مطبوعاتی را واجد انگیزه شرافتمندانه دانسته و امتیاز حضور هیأت منصفه را در جلسات دادگاه الزامی کرده است. (الهام، ۱۳۹۸ ص ۸)

## ۱-۲- سابقه تقنینی هیأت منصفه در قوانین

در این قسمت به بررسی قوانین مرتبط با هیأت منصفه در قبل و بعد از انقلاب خواهیم پرداخت.

### ۱-۲-۱- در قوانین قبل از انقلاب

موضوع تشکیل هیأت منصفه در نظام قضایی ایران به زمان انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۷ شمسی باز می‌گردد به طوریکه در ماده ۷۰ متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود که در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود. بر این اساس، قانون حضور هیأت منصفه را فقط در جرایم سیاسی و مطبوعاتی الزامی کرده بود، بدون اینکه به جزئیات انتخاب هیأت منصفه بپردازد، به همین میزان بسنده کرده بود. از سال ۱۳۰۱ که قانون موقت هیأت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی رسید در قوانین متعددی مانند قانون موقت هیأت منصفه (۱۳۰۱)، قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)، قانون محاکمه وزرا و هیأت منصفه (۱۳۰۷)، قانون هیأت منصفه (۱۳۱۰)، مقررات مربوط به تعداد هیأت منصفه (۱۳۱۵) و لایحه قانونی مطبوعات (مصوب ۳۳۱ و اصلاحی ۱۳۳۴) به موضوع هیأت منصفه و جزئیات آن اشاره شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و بازنگری در لایحه قانونی مطبوعات، در مواد ۳۰ تا ۳۸ این قانون که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، نیز موضوع هیأت منصفه مورد توجه قرار گرفت.

### ۱-۲-۱- در قوانین بعد از انقلاب

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، در سال ۵۸، در اصل یکصد و شصت و هشتم، مقرر می‌شود که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد البته قانونگذار مقرر می‌کند که نحوه انتخاب، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون معین می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹ ص ۲۱)

پس از این تأکید قانون اساسی، در سال ۱۳۶۰، قانون احزاب، شورای عالی قضایی وقت را موظف کرده بود ظرف یک ماه لایحه تشکیل هیأت منصفه در محاکم دادگستری، موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تهیه و به مجلس تقدیم کند. در اصلاحات قانون احزاب و مطبوعات در سال ۶۴ مجدداً قانونگذار در ماده ۱۹ مسئولان وقت را مکلف به ارائه لایحه تشکیل هیأت منصفه می‌کند.

کنند؛ اما با وجود این تاکیدات هرگز چنین قانونی تهیه و تصویب نمی شود. تا به این ترتیب، همچنان مواد ۳۰ تا ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، مرجع قانونی برای تشکیل هیات منصفه باشد. با اصلاح قانون مطبوعات در سال ۷۹، مواد ۳۶ تا ۴۴ این قانون به موضوع هیات منصفه دادگاه مطبوعات پرداخت و از این جهت بدون اینکه قانون مجزایی برای هیات منصفه تصویب شود، در ضمن قانون مطبوعات شرایط تشکیل هیات منصفه و حدود اختیارات آن، مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. البته در اسفندماه سال ۸۲ برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانونی با عنوان هیات منصفه به تصویب مجلس وقت و تایید شورای نگهبان رسید، اما از آنجایی که در این قانون پیش بینی شده بود تا هیات منصفه به قید قرعه و از بین یک گروه ۵۰۰ نفره عمومی انتخاب شوند، اجرای قانون مستلزم ایجاد تشکیلات خاص و تامین بودجه لازم بود که از این جهت، هیچ گاه این قانون امکان اجرا پیدا نکرد تا اینکه در سال ۸۷، نمایندگان مجلس هفتم، با لغو قانون هیات منصفه، مجدداً، مقررات هیات منصفه قانون مطبوعات را احیا و آن را دائمی کردند تا شرایط و مقررات هیات منصفه همان باشد که در مواد ۳۶ تا ۴۴ قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ مصوب شده است.

### ۱-۳-۱- نقش هیات منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

#### ۱-۳-۱-۱- مقررات انتخاب اعضای هیات منصفه

بر اساس ماده ۳۶ قانون مطبوعات، اعضای هیات منصفه هر دو سال یکبار انتخاب می شوند. این هیات در تهران ۲۱ عضو دارد و در سایر مراکز استان ها ۱۴ عضو؛ اعضای آن هم از بین افراد مورد اعتماد عمومی از بین گروه های مختلف اجتماعی نظیر روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان انتخاب می شوند. شرایط عضویت در هیات منصفه این است که افراد حداقل سی سال سن داشته و متاهل باشند؛ همچنین نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری، اشتهار به امانت، صداقت و حسن شهرت و صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی از دیگر شرایط عضویت در هیات منصفه تعیین شده است. با تشکیل هیات منصفه، رسیدگی دادگاه به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، به صورت علنی و با حضور هیات منصفه خواهد بود؛ البته دادگاه حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضای هیات منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیات منصفه رسمیت خواهد یافت. اعضای هیات منصفه باید در جلسات دادگاه حضور پیدا کنند و اگر هریک از اعضای هیات منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می شود.

اعضای هیات منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند تا بدون در نظر گرفتن گرایش های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوی و امانت داری، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند. اعضای هیات منصفه در هنگام رسیدگی دادگاه، در جلسه حضور داشته و به روند جلسات توجه دارند و هرگاه در حین محاکمه، سئوالاتی داشته باشند، مراتب را کتباً جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می کنند. با پایان جلسه دادگاه، هیات منصفه باید وارد شور شود و نسبت به اینکه متهم بزهکار است یا خیر؟ و اینکه در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ اتخاذ تصمیم کند. تصمیمات هیات منصفه با اکثریت مطلق حاضران، حاصل می شود.

#### ۱-۳-۲- لازم الاتباع بودن نظر هیئت منصفه برای دادگاه

برای هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در نظام حقوقی ایران دو کارکرد می‌توان ذکر کرد. ابتدا هیئت منصفه نقش تعیین کننده در اعلام نظر دادگاه داشت.

طبق ماده ۳۸ لایحه قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ که تا سال ۱۳۷۹ به طور کامل نسخ نشده بود، دادگاه از هیئت منصفه می‌خواست به این دو سوال پاسخ دهد که، اولاً، آیا متهم بزهکار است یا خیر؟ ثانیاً در صورت بزهکاری مستحق تخفیف می‌باشد یا نه؟ و در ادامه تصریح شده بود که دادگاه بر اساس تصمیم مذکور رای صادر می‌کند. (خالقی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۷).

اما رویکرد دوم با تصویب قانون اصلاح قانون مطبوعات ۱۳۷۹ نمایان می‌شود در این قانون رئیس دادگاه باید بعد از اتمام جلسه دادگاه طبق ماده ۴۳ از هیئت منصفه بخواهد که به این پرسش جواب دهند که آیا متهم بزهکار است یا خیر؟ و در صورت بزهکاری مستحق تخفیف است یا نه؟ اعضای هیئت منصفه بر اساس ماده ۳۵ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوبه ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۸۱، به شور و اتخاذ تصمیم می‌پردازند و نظر خود را به صورت کتبی به قاضی ارائه می‌دهند. بر اساس این ماده جلسات شور و اتخاذ تصمیم هیئت منصفه، بدون حضور رئیس دادگاه برگزار خواهد شد.

اما در صورتی که برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعی خاص حضور رئیس دادگاه ضروری باشد، اعضای هیئت منصفه از رئیس دادگاه برای حضور در جلسه دعوت به عمل می‌آورند. رئیس دادگاه پس از حضور فقط می‌تواند در مورد موضوعی که برای مشورت درباره آن فراخوانده شده است، اظهار اظهار نظر نماید.

### ۱-۳-۳- تحلیل تبصره ماده ۳۵ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات

تبصره ماده ۳۵ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات: در صورتی که بنا به تصمیم اکثریت اعضای هیئت منصفه حضور رئیس دادگاه برای رسیدگی به برخی از موارد ضروری باشد، رئیس دادگاه صرفاً برای همان موضوع در جلسه حاضر خواهد شد. دادگاه پس از اینکه نظر هیئت منصفه را دریافت کرد، در نحوه تصمیم‌گیری آزاد است و می‌تواند بر اساس نظر هیئت منصفه رای دهد. این امر از تبصره یک ماده ۴۳ استنباط می‌شود که آمده است "پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می‌نماید." و همچنین تبصره ۲ این ماده صراحتاً به لازم‌الاتباع نبودن رای هیئت منصفه در تصمیم‌گیری دادگاه اشاره دارد.

بر اساس این تبصره "در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند." از دیدگاه برخی، دادگاه بر برائت ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه است زیرا نظر هیئت منصفه بر اساس اصل برائت است. اما از نظر مجرمیت ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه نیست. زیرا در اینجا دادگاه باید از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تبعیت کند. بنابراین، در صورتی که نظر هیئت منصفه مبنی بر مجرمیت باشد دادگاه می‌تواند بنا بر اصل قانونی بودن جرایم، رای بر برائت دهد، زیرا نسبت به قانون متعهد است. (الهام، ۱۳۹۸؛ شماره ۳۶).

### ۱-۳-۴- ماهیت مشورتی داشتن نظر هیئت منصفه

برخی راه حل‌های دیگری ارائه کرده که عبارتند از: الف- ماهیت مشورتی داشتن نظر هیئت منصفه برای دادگاه که در این صورت دادگاه ملزم به تبعیت از نظر آن نیست مانند نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه که دادگاه ملزم به تبعیت از آن نیست. بنابراین، دادگاه اعم از اینکه رای هیئت منصفه مبنی بر برائت یا مجرمیت متهم باشد، لازم نیست از آن تبعیت کند. ب- رای هیئت منصفه دارای اعتبار قضایی باشد و این اعتبار را ریاست قوه قضاییه تنفیذ کند، بدین معنا که اعتبار رای هیئت منصفه مشروط به تایید رئیس قوه قضاییه باشد. (صبری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵).

دیدگاهی که دادگاه را ملزم به تبعیت از رای برائت هیئت منصفه میدانند با موازین قانونی مطابقت بیشتری داشته باشد، زیرا از یک سو در جایی که دادگاه مطابق با نظر هیئت منصفه رای به برائت متهم می‌دهد مطابق با اصل احتیاط در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی رفتار کرده است. از سوی دیگر، در جایی که رای هیأت منصفه مبنی بر مجرمیت است باز، دادگاه مکلف است بر اساس اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها حکم صادر کند.

بنابراین، اگر قانون رفتاری را جرم ندانسته باشد، قاضی موظف است که حکم به برائت متهم بدهد در غیر این صورت از اصل قانونی بودن جرایم تخلف کرده است. (مشهدی، انصاری، قورچی بیگی، ۱۳۹۰، ص ۵۶). در رویه قضایی نیز در برخی موارد دادگاه خود را ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه میدانند و در مواردی از نظر هیئت منصفه تبعیت نکرده است.

### ۱-۳-۵- نظر هیئت منصفه از دیدگاه رویه قضایی

دادنامه ۹۷۴ دادگاه کیفری تهران که در آن آمده است "هیئت محترم منصفه پس از استماع دفاعیات متهم، وی را در مورد هر دو اتهام مجرم ندارد"، ولی در نهایت، دادگاه با این استدلال مبادرت به صدور رای می‌کند؛ "دادگاه با توجه به تبصره یک ماده ۴۳ قانون مطبوعات که پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم می‌نماید و طبق قانون مبادرت به صدور رای می‌نماید و نیز با عنایت به قانون اساسی و اصل استقلال قاضی صدور رای، خود را ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه نمی‌داند، انتساب اتهامات را به متهم محرز می‌داند". متهم از رای دادگاه کیفری استان مبنی بر عدم توجه به نظر هیئت منصفه درباره برائت در دیوان عالی کشور تجدیدنظرخواهی می‌کند اما شعبه ۱۳ دیوانعالی کشور با رد ادعای متهم از ماده ۳۸ قانون مطبوعات دایر بر اینکه "اگر هیئت منصفه عقیده بر برائت داشت دادگاه نمی‌تواند رای به مجرمیت و مجازات بدهد، زیرا در تبصره یک الحاقی ۱۳۷۹.۱۳۰.۱ ماده ۴۳ قانون مطبوعات تصریح شده: پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می‌نماید"، نظر دادگاه کیفری استان را در زمینه استقلال قاضی در صدور رای برخلاف نظر هیئت منصفه را تایید می‌کند.

در برخی موارد نیز دادگاه از نظریه هیئت منصفه در زمینه برائت متهم تبعیت کرده است؛ دادگاه کیفری تهران در دادنامه شماره ۹۱۲ با پذیرش نظر هیئت منصفه اقدام به صدور رای کرده است در این دادنامه آمده است: "هیئت منصفه پس از استماع اظهارات طرفین، متهم موصوف را در هیچ یک از موارد اتهامی بزهکار تشخیص نداد و دادگاه نیز با عنایت به نظر هیئت منصفه و مستفاد از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مطبوعات مبنی بر اینکه دادگاه در خصوص نظریه هیئت منصفه مبنی بر بیگناهی متهم، مکلف به تبعیت از نظریه هیئت منصفه و صدور رای بر برائت است. فلذا مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون دادرسی کیفری رای به برائت متهم صادر می‌نماید.

### ۱-۳-۶- رأی وحدت رویه شماره ۸۳۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع عدم الزام قاضی به تبعیت از نظر

#### هیات منصفه در صدور رای در جرایم سیاسی و مطبوعاتی

۹/۷/۱۴۰۲

شماره ۱۱۰/۸۹۰۹/۹۰۰۰

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۸/۱۴۰۲ ساعت ۸ روز سه‌شنبه، مورخ ۰۴/۰۷/۱۴۰۲ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدجعفر منتظری، رئیس محترم دیوان عالی کشور، با حضور حجت‌الاسلام

والمسلمین جناب آقای سیدمحسن موسوی، نماینده محترم دادستان کل کشور و با شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص این پرونده و استماع نظر نماینده محترم دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۳۷ - ۰۴/۰۷/۱۴۰۲ منتهی گردید.

الف) گزارش پرونده

به استحضار می‌رساند، آقای عباس شقاقی، رئیس محترم شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران، با اعلام اینکه از سوی شعب هفدهم و بیست و ششم دیوان عالی کشور، در خصوص امکان یا عدم امکان صدور رأی مبنی بر مجرمیت از سوی دادگاه با وجود اینکه اکثر اعضای هیأت منصفه متهم را بی‌گناه شناخته‌اند، آراء مختلف صادر شده، درخواست طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور نموده است که گزارش امر به شرح آتی تقدیم می‌شود:

الف) به حکایت دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۴۰۰۱۷۹ - ۳۱/۶/۱۳۹۹ شعبه ششم دادگاه کیفری یک تهران، در خصوص اتهام آقای مهدی... مدیر مسئول پایگاه خبری... دایر بر نشر اکاذیب، چنین رأی صادر شده است:

«...نظر به اینکه هیچ یک از رویدادهای اعلامی از سوی متهم مذکور به نحوی که نامبرده با انتشار آن در مقیاس وسیع مدعی صحت آن است، اساس قابل دفاعی ندارد و این اخبار برگرفته از منابع رسمی نیست و از طرفی بر فرض اطلاع ایشان از وقوع فساد و تخلفات مالی در شرکت‌های متبوع شکات، انتشار آن در مطبوعات قبل از اثبات صحت رویداد مورد نظر در مراجع رسمی، فراتر از مسئولیت‌های مطبوعاتی نامبرده می‌باشد و نظر به اینکه نامبرده با کسب اخبار مورد شکایت از مراجع غیر معتبر و با ابتنا به آن مبادرت به نشر علنی موضوعی نموده‌اند که اسناد و مدارک متقنی بر اثبات آن ندارند و از این جهت که متهم بدون انعکاس این مطالب به مراجع نظارتی و قضایی کشور رأساً اقدام به بازنشر مطالبی نموده‌اند که تهی از هرگونه حقیقت می‌باشد بیان و انتشار موضوعات مورد شکایت با این سبک و اسلوب خارج از رسالت مطبوعاتی محسوب می‌شود و نظر به اینکه نشر مطالب خلاف واقع از این حیث که در گستره سراسر کشور اعلان می‌شود، مطابق بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات جرم و مستوجب مجازات می‌باشد و قانونگذار به دلیل لطامات حیثیتی عظیم و وسیعی که انتشار مطالب خلاف واقع بر اشخاص به دنبال دارد، محدودیت و ممنوعیت مذکور را نسبت به مطبوعات مقرر نموده است. بنابراین دادگاه با احراز بزهکاری متهم و با ملحوظ داشتن نظریه اقلیت اعضای هیأت محترم منصفه مطبوعات و با غیر مؤثر شناختن مستندات تقدیمی ایشان، فرد یادشده را با استناد به ماده ۱۸ از قانون جرایم رایانه‌ای به پرداخت چهل میلیون ریال جریمه نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید»....

با فرجام‌خواهی از این رأی، شعبه هفدهم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۹۷۰۰۳۳۹ - ۱۱/۹/۱۳۹۹ چنین رأی داده است:

«...در مورد فرجام‌خواهی آقای مهدی...، صرف‌نظر از اینکه از ناحیه محکوم‌علیه ایراد و اعتراضی که مؤثر در نقض دادنامه فرجام‌خواسته باشد ابراز نشده است، ولی با توجه به اینکه اکثریت هیأت منصفه مطبوعات در نظریه خود فرجام‌خواه را بی‌گناه

اعلام کرده‌اند، لذا با توجه به وظیفه و رسالت هیأت منصفه و با توجه به مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۴۳ الحاقی قانون مطبوعات، در صورتی که هیأت منصفه عقیده بر بی‌گناهی متهم داشته باشد، دادگاه نمی‌تواند حکم بر مجازات متهم صادر کند و الزاماً باید از نظر هیأت منصفه در اعلام بی‌گناهی متهم تبعیت نماید. بنابراین در اجرای بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه فرجام‌خواسته رسیدگی مجدد به موضوع را به شعبه هم‌عرض دادگاه بدوی محول می‌نماید».

ب) به حکایت دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۶۶۵۸۳۸۷ - ۱۹/۵/۱۴۰۰ شعبه ششم دادگاه کیفری یک تهران، در خصوص واخواهی سازمان... از دادنامه شماره ۰۰۳۷۰ - ۴/۱۲/۱۳۹۹ همین دادگاه که به موجب آن سازمان مشتکی‌عنه در غیاب مدیر مسئول به عنوان صاحب امتیاز خبرگزاری... به اتهام نشر مطالب خلاف واقع [غیباً] به شش ماه تعطیلی خبرگزاری... محکوم شده است، چنین رأی صادر شده است:

«... هر چند در این مرحله از رسیدگی اعضای هیأت منصفه مطبوعات با اکثریت آراء مشتکی‌عنه را مجرم ندانست لکن با توجه به اذعان نمایندگان حقوقی سازمان [مشتکی‌عنه] به انتشار اخبار موضوع شکایت و شکایت شاکی خصوصی و با عنایت به اینکه آزادی مطبوعات که از طرف نماینده حقوقی سازمان [مشتکی‌عنه] مورد استناد قرار گرفته مطلق نبوده بلکه به موجب ماده ۶ قانون مطبوعات، نشریات از هرگونه شایعات و مطالب خلاف واقع که مخل حقوق عمومی و خصوصی باشد منع شده‌اند و با توجه به اینکه از جانب نماینده حقوقی سازمان مشتکی‌عنه در این مرحله از رسیدگی نیز دفاع مؤثری به عمل نیامده علیهذا دادگاه با رد اعتراض و دفاعیات به عمل آمده دادنامه معترض‌عنه را به لحاظ عدم مغایرت با موازین قانونی عیناً تأیید می‌نماید»...

با فرجام خواهی از این رأی، شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۵۳۹۰۵۵ - ۲۷/۷/۱۴۰۰ چنین رأی داده است:

«در خصوص فرجام‌خواهی سازمان... صاحب امتیاز خبرگزاری... به لحاظ اینکه از جانب نماینده حقوقی سازمان مشتکی‌عنه در این مرحله از رسیدگی دفاع مؤثری به عمل نیامده هر چند اکثریت اعضای هیأت منصفه در مرحله رسیدگی واخواهی، مشتکی‌عنه را مجرم ندانسته‌اند چون رأی طبق موازین قانونی می‌باشد، عیناً حکم بر تعطیلی خبرگزاری... به مدت شش ماه را تأیید نموده‌اند با توجه به اینکه، دادگاه علیرغم نظریه اکثریت هیأت منصفه با استدلال رأی مورد واخواهی را مطابق موازین قانونی دانسته و الزامی از تبعیت دادگاه از نظر هیأت منصفه در مقررات موضوعه قانون مطبوعات وجود ندارد و رأی دادگاه به نحو مستدل و مستند می‌باشد و فرجام‌خواهی صورت گرفته با هیچ یک از جهات مندرج در ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مطابقت ندارد فلذا به استناد بند الف ماده ۴۶۹ قانون مذکور با رد فرجام‌خواهی فرجام‌خواه، دادنامه فرجام‌خواسته را ابرام می‌نماید» چنانکه ملاحظه می‌شود، شعب هفدهم و بیست و ششم دیوان عالی کشور در خصوص امکان یا عدم امکان صدور رأی مبنی بر مجرمیت از سوی دادگاه با وجود اینکه اکثر اعضای هیأت منصفه متهم را بی‌گناه شناخته‌اند، آراء مختلف صادر کرده‌اند؛ به طوری که شعبه هفدهم با توجه به مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۴۳ (الحاقی ۳۰/۱/۱۳۷۹) قانون مطبوعات، صدور رأی مبنی بر مجرمیت از سوی دادگاه را در حالت مذکور ممکن ندانسته و به همین علت دادنامه فرجام‌خواسته را نقض کرده، اما شعبه بیست و ششم با ممکن دانستن صدور رأی مجرمیت، در حالت مذکور، دادنامه فرجام‌خواسته را ابرام کرده



است. بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط محقق شده است، لذا در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی -

غلامرضا انصاری

(ب) نظریه نماینده محترم دادستان کل کشور

احتراماً، درخصوص پرونده وحدت رویه شماره ۸/۱۴۰۲، هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور به نمایندگی از دادستان محترم کل کشور به شرح زیر اظهار عقیده می‌نمایم:

حسب گزارش ارسالی ملاحظه می‌گردد اختلاف نظر بین شعب ۱۷ و ۲۶ دیوان عالی کشور در مورد لزوم تبعیت دادگاه از نظر هیأت منصفه درخصوص امکان یا عدم امکان صدور رأی مبنی بر مجرمیت با وجود اینکه اکثر اعضاء هیأت منصفه متهم را بی‌گناه شناخته‌اند می‌باشد، به گونه‌ای که شعبه هفدهم صدور رأی بر مجرمیت را در حالت مذکور ممکن ندانسته لیکن شعبه بیست و ششم این امر را ممکن دانسته و دادنامه فرجام خواسته را در این خصوص ابرام نموده. لذا نظر به مراتب فوق و با توجه به موازین شرعی و اینکه مقنن در مقام بیان حکم قانونی در مورد چگونگی تشکیل هیأت منصفه و وظایف آن طبق تبصره (۱) ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ و همچنین تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون هیأت منصفه مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته که (پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه درخصوص مجرمیت و یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق مقررات قانونی مبادرت به صدور رأی می‌نماید) چون عموم و اطلاق عبارت (دادگاه درخصوص مجرمیت و یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده) ظهور بر این دارد که احراز مجرمیت اشخاص و یا برائت آنها از اتهام انتسابی در هر حال منوط به نظر دادگاه بوده در عین حال مقرر شده است که دادگاه در صدور رأی در مورد مجازات مجرم و یا برائت وی از اتهام انتسابی طبق قانون اقدام می‌نماید لذا با عنایت به مراتب مذکور و اینکه طبق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و از طرفی طبق اصل ۱۵۹ همان قانون تشکیل دادگاه و تعیین صلاحیت آن منوط به حکم قانون شده است و طبق اصل ۱۶۴ قانون مذکور احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است و چون دلالت لفظ (قانون) به نحو مستعمل در اصول مرقوم و دیگر مقررات موضوعه منصرف از نظر هیأت منصفه می‌باشد بنابراین دادگاه هیچ الزامی به تبعیت از نظر هیأت منصفه نخواهد داشت، و از طرفی استنتاج از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۴۳ برخلاف نظر شعبه هفدهم که می‌گوید در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر برائت باشد دادگاه نمی‌تواند پس از رسیدگی حکم به مجازات صادر کند به زعم اینجانب صحیح نمی‌باشد بلکه این موضوع تأکیدی است که قانونگذار قاضی را در صدور رأی برائت علی‌رغم تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری مختار اعلام می‌نماید، لذا برداشت مفهوم مخالف از عبارات قانونی به طوری که با اصول کلی و مبانی حقوقی منافات داشته باشد پذیرفته شده نمی‌باشد و چه بسا تعارض مفهوم مخالف با قواعد عمومی و اصول مسلم حقوقی قرینه‌ای باشد که عبارات قانون را در این مورد خاص فاقد مفهوم مخالف دانسته و یا اینکه گفته شود اصلاً مفهوم مخالف آن مدنظر قانونگذار نبوده است و پذیرش نظر شعبه محترم هفدهم استقلال قاضی را به شدت زیر سؤال برده چرا که استقلال قاضی از جمله اصولی است که در ام‌القوانین و قوانین عادی بر آن تأکید شده است و این استقلال

همه جانبه می‌باشد و استقلال در برابر قوه مجریه و قوه قضاییه را شامل می‌شود، لذا وقتی قاضی رفتاری را در تشخیص و تطبیق با قانون احراز کرد نمی‌تواند برخلاف دلایل و علم خود حکم کند بنابراین در عین حال که دادگاه نظر هیأت منصفه را به عنوان نظریه کارشناس ارزیابی می‌نماید هیچ گونه الزامی بر تبعیت از نظر هیأت منصفه و صدور رأی بر مبنای آن نخواهد داشت و از این جهت نظر شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور را مطابق با قانون، شرع و قابل تأیید می‌دانم.

(ج) رأی وحدت رویه شماره ۸۳۷ - ۴/۰۷/۱۴۰۲

مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. به موجب تبصره یک الحاقی ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۳۰/۱/۱۳۷۹ پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. نظر به اینکه حکم تبصره مذکور در مورد تکلیف دادگاه به صدور رأی طبق قانون اطلاق داشته و شامل مجرمیت و برائت متهم می‌شود و با توجه به اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی دادگاه باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. بنابراین در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، اما دادگاه با لحاظ ادله موجود در پرونده رفتار منتسب به وی را طبق قانون، جرم و مستوجب مجازات تشخیص دهد، با عنایت به استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف وی به رعایت قانون ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نمی‌باشد و به استناد قانون، حکم به محکومیت متهم صادر می‌کند. بنا به مراتب رأی شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

### نتیجه گیری:

با توجه به مطالب چنین می‌توان نتیجه گیری نمود که هیئت منصفه به عنوان نهادی که نقش اساسی در تضمین حقوق و آزادی‌های افراد دارد، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. هدف از تشکیل هیئت منصفه از یک سو مشارکت دادن مردم در فرایند دادرسی به ویژه در جرائم سیاسی و مطبوعاتی که جنبه عمومی دارند می‌باشد و از سوی دیگر تضمین استقلال و بی‌طرفی نهاد رسیدگی کننده است تا مبادا تحت تاثیر قوه مجریه و ابزارهای آن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم قرار گیرند. در نظام حقوقی کشور ما نیز نهاد هیئت منصفه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است اما تشکیل هیئت منصفه محدود بر رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی شده است. دادگاه بر برائت ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه است زیرا نظر هیئت منصفه بر اساس اصل برائت است. اما از نظر مجرمیت ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه نیست، زیرا در اینجا دادگاه باید از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تبعیت کند. بنابراین، در صورتی که نظر هیئت منصفه مبنی بر مجرمیت باشد دادگاه میتواند بنا بر اصل قانونی بودن جرایم، رأی بر برائت دهد، زیرا نسبت به قانون متعهد است.

هیئت منصفه در واقع گروهی از افراد جامعه هستند که مطابق قانون انتخاب می‌شوند، و وظیفه اصلی آنها این است که با توجه به دلایل و مدارکی که ارائه می‌شود، واقعیت امر را کشف کرده و درباره براءت یا مجرمیت متهم اظهار نظر کنند ملاک اعتبار نظریه هیئت، برای اتخاذ تصمیم، رای اکثریت آنان است، لذا در صورت تساوی آرای اعضای هیئت به گونه‌ای که شماره معینی از آنها معتقد به براءت متهم و شمار دیگری با همان نصاب معتقد به مجرمیت او باشند، دادگاه حکم براءت متهم را صادر می‌کند.

پس از اینکه هیات منصفه نظر خود را در خصوص دو موضوع گفته شده به صورت کتبی به دادگاه ارائه کرد، دادگاه با ملاحظه نظر اعضای هیات منصفه اقدام به صدور رای می‌کند. اگر نظر هیات منصفه مبنی بر بزهکاری و مجرمیت متهم باشد، دادگاه الزامی به رعایت نظر هیات منصفه ندارد و می‌تواند حکم به براءت متهم نیز صادر کند اما اگر نظر هیات منصفه، دایر بر عدم مجرمیت یا براءت متهم باشد، دادگاه نیز باید نظر هیات منصفه را لحاظ کند. اگر دادگاه با توجه به نظر هیات منصفه، حکم به مجرمیت و محکومیت متهم صادر کند، این حکم قابل تجدیدنظر خواهی است البته در رسیدگی مجدد در مرحله تجدیدنظر نیازی به حضور هیات منصفه نیست و دادگاه تجدیدنظر با توجه به اوراق پرونده و نظر هیات منصفه، به پرونده رسیدگی می‌کند. نکته آخر در خصوص اعضای هیات منصفه این است که بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تنها در جلسات محاکمه جرایم مطبوعاتی و سیاسی حضور هیات منصفه الزامی است و در مرحله دادرسی، تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی، نیازی به حضور هیات منصفه وجود ندارد.

در رویه قضایی نیز در برخی موارد دادگاه خود را ملزم به تبعیت از نظر هیئت منصفه می‌داند و در مواردی از نظر هیئت منصفه تبعیت نکرده است.

#### منابع:

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چاپ ۱۱، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸.
۲. احمدی، مهدی، درباره هیئت منصفه مطبوعات/ فراز و فرودهای سیاسی، تهران، ایرنا.
۳. الهام، غلامحسین، جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران، نشریه معرفت حقوقی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، شماره ۱۳۹۸، ۳۶.
۴. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ ۲، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲.
۵. خامنه‌ای، مهیندخت، هیئت منصفه در دادگاه‌های کشورهای متحده آمریکای شمالی، مجله کانون وکلا، سال ۱۵، شماره ۱۳۹۹، ۶۸.
۶. روح بخش، مریم، علوم سیاسی آیین رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، اختیارات هیئت منصفه (بخش پنجم)، شماره ۲۶۰، ۱۳۹۳.
۷. شیخ الاسلامی، عباس، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۸. صبری، نورمحمد، هیئت منصفه (مطالعه تطبیقی)، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۱۲. قانون مطبوعات.

۱۳. مشهدی، علی، انصاری، اسماعیل، قورچی بیگی، مجید، مطالعه تطبیقی جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران و سایر کشورها، ۱۳۹۰.